

بقلم: آقای ایزدیار

باغ شاه فین کاشان

در ۸ کیلومتری شهر کاشان بلوکی است موسوم ب فین این بلوک سابقاً بدو قسمت منقسم بوده یکی فین علیا و دیگری را فین سفلی مینامیدند ولی امروز این تقسیم و امتیاز از بین رفته هوای این بلوک گرم و اشتها و اهمیت آن فقط بواسطه باغی است موسوم بباغشاه که سلاطین صفوی در آن احداث کرده و پادشاهان قاجار (بویژه فتحعلیشاه) تزیین و مرمتی بسزا نموده اند زیرا این حدود شکارگاه پادشاهان صفوی بوده و شاهان این سلسله اغلب پس از نمانده شکار چند روزی در این باغ توقف و استراحت میکردند این همان باغی است که یگانه سیاستمدار و وزیر معروف ایران میرزا تقی خان قراغانی ملقب بامیر اتابک اعظم را بفرمان ناصرالدین شاه در آن بقتل رسانیده اند شاه قاجار بعد از آنکه بتحریر اجاب و سعایت مغرضین (بویژه میرزا آقاخان نوری) امیر را از صدارت معزول و بکاشان تبعید نمود دستور داده بود که معظم له در این باغ سکونت نماید ناصرالدین شاه ابتدا قصد کشتن امیر را نداشت ولی حسودان و بداندیشان که میدانستند دوره این مغضوبیت کوتاه و بزودی شاه از کردار خود پشیمان شده دوباره ویرا صدارت خواهد گماشت انواع دسایس و حیل بکار برده سرانجام شاه جوان را بر آن داشتند که حکم قتل امیر را صادر نماید.

جاده شوسه که شهر کاشان را باغ شاه فین متصل میکند بدستور جناب آقای علی اصغر حکمت وزیر کشور وقت از بودجه شهرداری کاشان ساخته شده مسافرینی که بقصد تفرج از کاشان باغ شاه میروند در اواسط جاده در سمت راست تپه های معروف بسیالک (که

بزبان محلی سی‌ارک نامیده میشود) نظر آنها را جلب میکند این همان تپه‌هایی است که هیئت فرانسوی موزه لوور در سال ۱۹۳۳ میلادی اقدام بکاوش آن نمود و چه بسیار اسلحه و جواهر و ظروف سفالی و مجسمه و غیره که متعلق بچند هزار سال قبل از میلاد بوده از دل خاک بدست آورده‌اند در نتیجه کاوشهای سیالک مظاهر یک تمدن درخشانی که متعلق بسه‌هزار سال قبل از میلاد در سرزمین ایران بوده معلوم و آشکار شده و باستان شناس معروف ارجمند دکتر کرشمن جزئیات آنرا در مقالات و رساله‌های خود برشته تحریر در آورده است.

باغ شاه فین باغی است بزرگ و بسیار باصفا که ابتدا شاه طهماسب صفوی آنرا احداث کرده ولی بعداً شاه عباس ثانی و شاه صفی نیز هر یک عماراتی در آن ساخته‌اند شاه سلیمان نیز در خارج باغ استخری بنا کرده است که امروز در بین مردم موسوم به چشمه سلیمانی است این برکه با آنکه مدت‌هاست تعمیر نشده هنوز مورد استفاده مردم می‌باشد آقامحمد خان قاجار حوض معروف بجوش را بر برکه‌های آن باغ افزوده ولی زینت و نقش و نگار آن بیشتر بر اثر مساعی خاقان است زیرا فتحعلی‌شاه این باغ را بسیار دوست میداشت و بوسیله نظام‌الدوله نائینی تعمیرات مفصلی در آن باغ کرده حوض مستطیلی که بیش از ۵ فواره در پاشویه‌های آن بکاررفته در وسط باغ احداث نموده است سرسرها و ایوانهای عمارت را نیز بنقش و نگار خود و فرزندان خود مزین و منقش کرده که اینک همه آنها (باستثنای نقش یکی از فرزندان که باز شکاری بدست دارد) در زیر گچ مستورو از انظار پنهان است - در ایام یاغیگری نایب حسین فرزند او و ساشاالله خان برخی از سنگهای مرمر و کاشیهای عمارات را بیرون آورده و در عمارت شخصی خود در شهر (که فعلاً اداره دارائی کاشان است) بکار برده اشجار کهن سال خیابانهای خارج باغ را نیز او و دیگران انداخته‌اند اهمیت این باغ بیشتر بواسطه یک رشته قنات بر آبی است که مظهر آن در خود باغ میباشد این رشته قنات (که قسمت عمده آب آنرا متنفذین محلی با دسایس گوناگون بضمن بخش از تصرف دولت خارج ساخته‌اند در تمام فصول از حوض جوش و سایر برکه‌ها و فواره‌های پیشمار سر بردار آورده منظره بدیع و دلچسبی بی‌باغ داده و پس از گردش در جویبار

ها از باغ خارج میشود - در ضلع غربی این باغ (غیر از گرمابه مخروطی بزرگ) گرمابه ظریف و کوچک دیگری است که رخت کفن و بینه آن هنوز بر پا و چهار ستون مرمر قشنگ تراشیده گنبد پیازی شکل آنرا نگاه داشته است این همان گرمابه ایست که امیر کبیر را در آن بقتل رسانیده اند بر اولیای دولت بویژه اداره باستان شناسی فرض و واجب است که نه تنها گرمابه مزبور بلکه کلیه این باغ را تعمیر و مرمت نماید زیرا مقل بزرگترین رادمردان وطن پرست این سرزمین و قتلگاه ارجمند ترین فرزندان این آب و خاک میباشد - چون داستان کشتن امیر کبیر مفصل و هر کس کم و بیش از آن اطلاع دارد بشرح آن نپرداخته بدرج مسمتی که در وصف باغ شاه کاشان ساخته شد و از پیشگاه اعلی حضرت همایونی تمنا گردید که نسبت بتعمیر باغ مزبور او امر ملوکانه صادر فرمایند مقاله خود را ختم میکنیم .

۸ آبان ۱۳۲۷

فصل بهار است و دشت و راغ مصفاست
 فرش زمین از ستبرق و گل حمراست
 ریخته بر سطح خاک خردۀ میناست
 موسم شادی و وقت گشت و تماشاست
 خاصه بکاشان بطرف باغ شه فین

هر که ندیده است فین و باغ شهب را
 فصل بهار آسمان و مهر و مهش را
 روز درخشنده و شب سیهش را
 غرفه و ایوان و کاخ و بارگش را
 چهر طبیعت ندیده بافر و تزین

بانگ قناری و نغمه خوش بلبل
 چمچه سیره نوای قمری و صلصل
 بوی خوش لادن و بنفشه و سنبل
 نکته سوری و ضیمران و قرنفل
 رشک جنان کرده باغ را بصد آئین

باغ شه فین بسان خلد برین است
 روضه رضوان نکارخانه چین است
 جدولش از آب پر زرد نمین است
 دیبه سبزش ز سبزه فرش زمین است
 باغچه اش پر ز سوری و گل نسرین

در همه گیتی چراغ شاه نباشد
 بر فلک اینگونه مهر و ماه نباشد

روی زمین همچو بارگاه نباشد اینمه اش زیب وفر وجاه نباشد
باغ ارم را نباشد اینمه آذین

آب ز فواره‌هاش چون خط پر کار نقش ببندد بحوض دایره کردار
دایره‌ها جمله سیمگون و گهر بار کـردد از نقشها بحوض پدیدار
خرمن مه بر سپهر و خوشه پروین

نارون و بید و کاج و سرو و صنوبر بسته صف از هر کنار چون صف لشکر
نسترن و یاسمین و لاله عیبر کرده معطر فضای باغ سراسر
صحن چمن کرده خوش منقش و رنگین

حیف که در این بهشت و در دهره رضوان خون یکی رادمرد کشور ایران
کوبوطن بوده عاشق از دل و از جان ریخته بر خاک غم بحسرت و حرمان
بادا بر قانش هزاران نفرین

صدر هنرور بزرگمهر خردمند خواجه سلجوق را نظیر و همانند
صاحب و ابن العمید و احمد میمند نزدش کوچک چو بنده پیش خداوند
رایش همواره بوده در خور تحسین

میرقی خان مهین اتابک اعظم صاحب سیف و قلم وزیر مفتحم
بانسی کساح هنر امیر مکرم رأی رزینش چو کوه نابت و محکم
گشته در این باغ کشته از غرض و کین

ناصرالدین شاه چارمین شه قاجار بی خبر از عذر خائنین ستمکار
بر اثر قتل این وزیر هشیوار ریخت یکی خاک ذلت و غم و ادبار
بر سر این ملت ستمکش مسکین

کشت بزیری که بود در همه آفاق تالی بیسمارک در سیاست و اخلاق
همچو ریشیلیو بعقل منفرد و طاق کعبه آمال بود و قبله عشاق
چون مازان بود هوشیار و جهان بین

مقتل این راد مرد و میر هنرور هست بگرامابه می بیاغ شد اندر
 کابینک ویران نموده چرخ ستمگر لیک هنوزش بجا بود در و بیگر
 بابدش آراستن بهیئت پیشین

باید گرامابه می که مقتل میر است مشهد خونین آن یگانه وزیر است
 قتلکه پاک آن امیر کبیر است آنکو چون آفتاب و بدر هنیر است
 ساختن از نو چوروزگار نخستین

شاه محمد رضا شهنشه ذیشان کاش بدین باغ شه که گردش دوران
 کرده مر آرا مطایف ملت ایران هست در آن یادگار چندین سلطان
 بذلت-وجه کند بفرو بتمکین

پادشهان سلف چو شاه سلیمان همچو شه عباس و چون و کیل چو خاقان
 هر یک در این بهشت کاخ و شبستان ساخته کاینک شده است یکسر ویران
 بوم نشسته فراز آن زبر این

هست ز شاهان نامدار نکو کار از صفوی باز تا بدوره قاجار
 نقش و اثرها پدید هر درودیوار محو شود ایدریغ ایمنه آثار
 گر نکند امر شه بدولت تلقین

مردم کاشان ز آستان شهنشاه ملتس این بود که آن شه جمجاه
 آنکه بود اندر آسمان خرد ماه امر کند صادر از همایون درگاه
 تا که مرمت کنند باغ شه فین

تاز بهار و خزان کنند بدل یاد تا که بود تیر ماه از بی خسر داد
 شاه جوانبخت در پناه خدا باد ملت از اوشاد و مملکت زوی آباد
 هر دم از مادعاواز ملک آمین